

مردم خواهان محدود شدن اسلام هستند

گفتگو با مهران عظیمی از ایران

بی خدایان: چه آینده ای برای اسلام در ایران تصور می کنید؟ مهران عظیمی: اول باید ببینیم از کدام آینده صحبت میکنیم و آیا منظور بعد از جمهوری اسلامی است. آن چیز که در ایران عیان است فاصله طبقاتی بسیار زیاد است و هر طیفی از مردم باورها و برداشت های خود را از زندگی بهتر دارد. نگاه ایرانیان از زن و مرد - روستایی و شهری - پیر و جوان و ... از مقوله ی دین و مذهب و زندگی بهتر بسیار متفاوت است. باید اذعان کرد انجمن بی خدایان در ابتدایی ترین خط قرار دارد. هنوز مردم دیدی مثبت به اسلام دارند و فکر میکنند وجود آن برای زندگی ضروری است. وجود دین در ابعاد زندگی شان مانند برای عقد کردن یا تدفین مرده و ... را ضروری می پندارند. قبول کنید نمیتوان از دین و ... را در بیشتر جاها نقد کرد چون یقیناً کار دست آدم میدهد که حداقلش تکفیر شدن است. حالا هر قدر که میگوییم که کار آمدی دین از هر نوع علمی و روزمره گی پوچی

در خدمت رهایی و شکوفایی مردم به نهادهای اسلامی حاکم رحم نکنید!

پیش شرطهای این تحول عظیم مدنی سیاسی و اجتماعی تاریخ معاصر بی خدایان، آزاد اندیشان! کسانی که از جنایت و نکیت اسلام سیاسی و بقرار زیر است: تحجر دینی به تنگ آمده اید! باید سرنگونی کامل و بی قید و شرط به قرنهای سلطه اسلام و جنایت و جمهوری اسلامی و ساقط کردن سلاطین مسلمان و آیت الله ها و اسلام سیاسی از قدرت قساوت دین اسلام و اسلام سیاسی دستگیری سران جمهوری اسلامی پایان بدهیم. دیر شده است! باید مصادره کلیه موقوفات و اموال و آستینها را بالا بزنیم و این توحش دارائی های نهادهای سیاسی، را برای همیشه از ایران، اقتصادی و ایدئولوژیک اسلامی، خاورمیانه و دامن بشریت معاصر مصادره اموال سران جمهوری پاک کنیم. اسلامی و حوزه های علمیه و با سرنگونی جمهوری اسلامی باید نهادها و مدارس اسلامی و بساط ارگانههای اسلامی مانند استفاده از آنها برای رفع نیازهای مادی، معنوی، آموزشی، تفریحی، های رسمی دولتی، و نهادهای اجتماعی و سیاسی مردم مشابه با در هم بپیچیم و با انحلال کلیه حوزه های علمیه مصادره اموال و دارائی های آنها اعلام جدایی کامل مذهب از دولت به نفع نیازهای مادی و معنوی و آموزش و پرورش و آموزش و پرورش و آموزش و پرورش اعلام آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب سیاسی اعلام برابری کامل و بی قید و زنده باد سکولاریسم، آزادی و شرط زن و مرد در حقوق فردی و برابری



اعظم کم گویان

سرنگونی جمهوری اسلامی سرآغاز یک انقلاب پیگیر برای زدودن مذهب از دولت و قانون و برای پاک کردن زندگی اجتماعی از ارتجاع دینی و سنتهای عقب مانده، و برای عقب راندن دین به حجره های تنگ و کپک زده آن، و برای مقهور کردن اسلام به اراده انسان و سکولاریسم خواهد بود. انقلابی که در هم شکستن جمهوری اسلامی بقدرت قیام مردم سرآغاز آن باشد، توانی بمراتب بیشتر از انقلاب فرانسه علیه سلطه دین بر دولت و زندگی اجتماعی و برای زدودن آن از زندگی و روح و روان مردم خواهد داشت. جامعه را از ارتجاع، خرافات و عقب ماندگی و دین خواهد تکاند و تحولات دامنه داری در قلمروهای اجتماعی، حقوقی، قانونی، فرهنگی و فردی ببار خواهد آورد.



دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

با دموکراسی در تعارض نمی
 اش را نشان داده به کت اکثر مردم
 بیند؟!!!!

بی خدایان: بیشتر احکام دینی
 توجیه اکثر شان اسلام طالبانی یا
 عموماً هم به لحاظ علمی و هم در
 زندگی روزمره پوچی خود را نشان
 داده. چه چیزی باعث میشود که
 عقیده به آنها در بین مردم رایج
 بی خدا شدید؟ از اسلام چه کشیده
 اید؟

مهران عظیمی: این مسئله دست کم
 به مدت دو دهه ذهن مرا به خود
 مشغول کرده که چرا مردم از دین و
 مذهب خسته نمیشوند با اینکه جز
 بدبختی و مصیبت چیزی از آن نمی
 بینند. حتماً کسانی را سراغ د آرید
 که ظاهراً به هیچ چیز اعتقاد ندارند
 ولی یکدفعه متعبد میشوند! آن چیز
 که مسلم است درک نادرست از
 مقوله دین است. عدم آگاهی والدین
 است که از کودکی مظهر عدالت و
 جوانمردی را (علی) یا مظهر
 مقاومت و ایثار را (حسین) به
 فرزندان شان آموزش میدهند.
 الگوی زنان را برای فاطمه را
 برای دختران شان تجویز میکنند!
 این نشانه‌ی ضعف فرهنگی است.
 چه دوست داشته باشیم یا نداشته
 باشیم باید بپذیریم که مردم حال
 وحوصله و کنجکاو در مورد دین
 و مذهب را ندارند. میخواهند یک
 چیز واهی را برای خود به حساب
 سپرده بگذارند که شاید در وقت
 مقتضی به کارشان آید. در عین
 حال هیچ نقدی علیه مذهب را بر
 نمی‌تابند. به فرزندان شان اجازه
 نمیدهند تا در این مورد زیاد سوال
 کنند تا دچار عقوبت‌های کنونی و
 اخروی نشوند.

مردم ما دنباله رو هستند. هنوز
 برای مرده‌های شان از آخوند
 دعوت میکنند تا روضه‌های
 مسخره برای شان سرهم کنند.
 هنوز مراسم‌های یادبود را در
 مساجد بر پا میکنند. انواع و اقسام
 عزاداری‌ها را برای امامان‌شان احیا
 میکنند. حتی تاریخ مراسم‌های
 عروسی را با تولد فلان امام یا
 پیغمبر... تطابق میدهند تا شگون
 داشته باشد!

اما یک نکته دیگر! شاید در قهوه
 خانه‌ها و سرگذر هر دقیقه به

اش را نشان داده به کت اکثر مردم
 بیند؟!!!!

بی خدایان: بیشتر احکام دینی
 توجیه اکثر شان اسلام طالبانی یا
 عموماً هم به لحاظ علمی و هم در
 زندگی روزمره پوچی خود را نشان
 داده. چه چیزی باعث میشود که
 عقیده به آنها در بین مردم رایج
 بی خدا شدید؟ از اسلام چه کشیده
 اید؟

مهران عظیمی: این مسئله دست کم
 به مدت دو دهه ذهن مرا به خود
 مشغول کرده که چرا مردم از دین و
 مذهب خسته نمیشوند با اینکه جز
 بدبختی و مصیبت چیزی از آن نمی
 بینند. حتماً کسانی را سراغ د آرید
 که ظاهراً به هیچ چیز اعتقاد ندارند
 ولی یکدفعه متعبد میشوند! آن چیز
 که مسلم است درک نادرست از
 مقوله دین است. عدم آگاهی والدین
 است که از کودکی مظهر عدالت و
 جوانمردی را (علی) یا مظهر
 مقاومت و ایثار را (حسین) به
 فرزندان شان آموزش میدهند.
 الگوی زنان را برای فاطمه را
 برای دختران شان تجویز میکنند!
 این نشانه‌ی ضعف فرهنگی است.
 چه دوست داشته باشیم یا نداشته
 باشیم باید بپذیریم که مردم حال
 وحوصله و کنیز داشتن، برای
 مردان جایز است. در شیعه حق
 صیغه برای مردان محترم شمرده
 می‌شود! و طبیعی است که در
 طول تاریخ مردان از این موقعیت
 سواستفاده کنند. ارث خواهران
 خود را بطور برابر تقسیم نکنند.
 در دادگاه زنان حق برابری با
 مردان را ندارند، شهادت زنان
 چندان اعتباری ندارد در ضمن دیه
 زن نصف مردان است! در ضمن
 این مردان هستند که میتوانند با
 تقاضای طلاق موافقت کنند. وقتی
 در سراسر احادیث و... از زنان
 بعنوان سفی نام برده میشود دیگر
 چطور میتوان از این نابرابری دفاع
 یا توجیه کرد؟ وقتی زنان حتی حق
 باسواد شدن را ندارند، حضرات
 اسلام شناسان مدرن مانند شریعتی،
 کدیور، سروش، خاتمی و
 مهاجرانی و... با چه رویی به دفاع
 از اسلام بر میخیزند؟ خواهر
 شیرین عبادی با چه رویی اسلام را

اسلام و امامان و محمد فحش میدهند
 اما اگر کسی بطور جدی اسلام را
 بطور جدی در جلوی عموم به نقد
 بکشد خود مردم قبل از رسیدن
 ماموران حکومتی ترتیب طرف را
 میدهند!

بی خدایان: شما چگونه بی دین و
 بی خدا شدید؟ از اسلام چه کشیده
 اید؟

مهران عظیمی: جواب دادن به این
 سوال برابرم فوق العاده لذت بخش
 است من از قلب جامعه ایرانی
 بیرون آمده‌ام نه بالا بالایی بودم نه
 پایین پایینی. با هر طیفی هم سر
 کار داشتم. مادر من هیچوقت نماز
 و روزه اش ترک نشده و کاری اش
 هم نمی‌شود کرد. پدر او هم فردی
 بشدت مذهبی بود و حتی با خمینی
 دوستی بسیار نزدیکی داشت البته
 قبل از انقلاب فوت کرد و در
 جنایات دستی نداشت! اما پدر من
 که چند سال پیش فوت کرده کاملاً
 ضد مذهبی بود، عموها و پدر او
 هم همینطور. پدر من یکبار به معلم
 مدرسه که از من نماز خواندن
 پرسیده بود سفارش کرد که
 نمیخواهم پسر من با این مزخرفات
 آشنا بشود! (این موضوع به سال
 1355 بر میگردد که انقلاب نشده
 بود) خوشبختانه این از معدود
 خوش شانسی‌های زندگی من بود.
 من همیشه با عموهای صمیمی بودم
 بر خلاف اکثر روابط مردم که با
 فرزندان شان با تعصب برخورد
 میکنند ما در خانواده هیچ تعصبی
 روی هیچ موضوعی نداشتیم. 65
 درصد دانشجویان ایرانی دختر
 هستند.

بی خدایان: انجمن بی خدایان
 فراخوان عضویت وسیع داده و می
 خواهد فعالیت خود را در ایران
 سختگیری کنم اما پدرم همیشه مدافع
 خواهرانم بود و میگفت برای
 حماقت بعضی‌ها نباید ما مثل آنان
 رفتار کنیم. اعتراف میکنم آنموقع
 حرفهای پدرم را درک نمی‌کردم
 چون میخواستم کسی در مورد بی
 حجایی یا بد حجایی خواهرانم حرف
 نزنند! یاد می‌آید در نوجوانی ام
 اگر زنی یا دختر اندکی از موهایش
 معلوم بود چه تهمت‌ها به او

نمیزدند و خانواده اش را بی غیرت
 می دانستند!!! خوشبختانه الآن
 وضعیت فرق کرده و به وضوح می
 بینم که اکثر دختران و زنان به
 حجاب با تمسخر می نگرند. حتی
 دختران پاسدار و بسیجی‌ها. حتماً
 تصاویری که این روزها از ایران
 میرسد را دیده اید. الان کسی به
 دختر یا زن بی حجاب تهمت نمیزند
 چون یقیناً بی شعوری خود را به
 رخ کشیده. دیگر همه میگویند این
 نوعی مبارزه است و این به مبارزه
 زنان بر میگردد که این حق را
 برای عموم به رسمیت شناسانده
 اند. اما از اسلام چه کشیده ایم
 از شما بپرسم چه نکشیده ایم؟
 میخواهم صحبت انحرافی را طرح
 کنم کسانی هستند اعتقاد دارند اگر
 اسلام واقعی جایگزین رژیم اسلامی
 فعلی شود اوضاع درست میشود.
 همیشه به اینها میگویم که رژیم
 کنونی بهترین و انسانی ترین رژیم
 اسلامی جهان است و خواهد بود و
 مثل این رژیم خوب اسلامی دیگر
 پدید نخواهد آمد. پس بهتر است
 قدرش را بدانیم که اگر اسلام واقعی
 بیاید وای بر شما عاشقان اسلام.
 اسلام حقیقی اگر بیاید هر نوع
 تصویر و عکس و مجسمه در آن
 حرام است. قطعاً سینما و تلویزیون
 نخواهیم داشت تا صدای زن از آن
 شنیده شود ولی در رژیم فعلی ما
 همه‌ی این چیزها را داریم. اصلاً
 آن موقع زنان حق درس خواندن
 خواهند داشت در حالیکه بیش از
 65 درصد دانشجویان ایرانی دختر
 هستند.

بی خدایان: انجمن بی خدایان
 فراخوان عضویت وسیع داده و می
 خواهد فعالیت خود را در ایران
 سختگیری کنم اما پدرم همیشه مدافع
 خواهرانم بود و میگفت برای
 حماقت بعضی‌ها نباید ما مثل آنان
 رفتار کنیم. اعتراف میکنم آنموقع
 حرفهای پدرم را درک نمی‌کردم
 چون میخواستم کسی در مورد بی
 حجایی یا بد حجایی خواهرانم حرف
 نزنند! یاد می‌آید در نوجوانی ام
 اگر زنی یا دختر اندکی از موهایش
 معلوم بود چه تهمت‌ها به او

در نقد اسلام و دفاع از سکولاریسم و جهانشمولی حقوق زنان رئوس فعالیت‌های ۶ ماهه کمیته دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه

فعالیت‌های ما در دفاع از آزادی و حقوق جهانشمول زنان، علیه اسلام سیاسی و قوانین اسلامی و در نقد اسلام و شامل محورهای زیر بوده است.

مصاحبه های اعظم کم گویمان با رسانه ها

مصاحبه با تلویزیون سراسری CBC در باره قتل‌های ناموسی
مصاحبه با برنامه زنان رادیو BBC برنامۀ زنان درباره بکارت
مصاحبه مطبوعاتی با رویترز، آسوشیتدپرس، تلویزیون سراسری هلند،
رادیو سراسری هلند، شبکه خبری کویت، گروه خبری قطر، تلویزیون
ژاپن، رسانه های سوئیس. در مورد اسلام سیاسی، سکولاریسم و حقوق
زنان

تلویزیون لیبرتی یونایتز - آمریکا

- رادیو محلی نیوز تاک - آمریکا

- رادیو سان اف ام - آمریکا

- شبکه خبری شبه جزیره کشور قطر

- شبکه خبری کراالا - هند

- مصاحبه با ماهنامه نروژی سکولاریستی فری تانکه

- مصاحبه با ایندیا تایمز

- کمپین مطبوعاتی گسترده در ۸ مارس ۲۰۰۵ در آمریکا با
تلویزیون‌های رهایی زن، تلویزیون پارس،
رادیو ایران، تلویزیون پرتو، تلویزیون ان. آی. تی. وی

سخنرانی‌های رئیس کمیته دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه:

* کنفرانس قربانیان جهاد در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در
آوریل ۲۰۰۵ در ژنو

* پنجمین کنگره جهانی آته ایستی در هند در ژانویه ۲۰۰۵

* دو سخنرانی در شانزدهمین کنگره جهانی اتحادیه بین المللی
سازمانهای اومانیتست و سکولاریست در فرانسه ژوئیه ۲۰۰۵

بوده ام سعی میکنم برای آدمها و
شدن به اینقدر مطالعه و بحث جوانهاییکه ظرفیت دارند سولاتی
احتیاج ندارد واقعاً حساب دو دو تا را مطرح کنم . نمیگویم چقدر
است . کمی آدمی با خودش بیندیشد موفق بوده ام اما همین اندازه که
تاریخ رابیند مسئله آنقدر شفاف سعی کرده ام و لااقل مانند بقیه
است که حد ندارد . اما منفعت متظاهر نبوده ام برایم راضی کننده
طلبی ، ریا ، عافیت اندیشی و همه بوده است . سخت است در این
و همه ی چیزهای کثیف باعث مملکت که توحش از آن میبارد
بقای این توهمات میشود . افکار همه ی اطرافیانم از عقاید آگاه
مرتجعانه ای که به راحتی در جسم هستند . ما ممکن است همچنان در
و روح مشتکی بی مغز رسوب پیشبرد اهدافمان ناموفق بمانیم ولی
میکند که به راحتی آدم میکشند به همین مبارزه برای عدالت و حقیقت
خود بمب می بینند تا بیگناهان را جویی مان نشان میدهد که آدم های
تکه پاره کنند . ما باید هرچه توان شریفی هستیم .



داریم بکار ببینیم . حداقل با نسل
جوانیکه مغز هایشان منجمد نشده
حرف بزنیم . من همیشه اینگونه

* سومین کنفرانس اول کودکان در سوئد فوریه ۲۰۰۵

* کنگره زنان عراق در سوئد مارس ۲۰۰۵

موضوع این سخنرانیها: بی خدایان و زنان در ایران، اسلام سیاسی در
خاورمیانه و غرب، حقوق شهروندی و مالتی کالچرالیزم، ممنوعیت
حجاب دختر بچه ها، اسلام و حقوق زنان در خاورمیانه، جنبش ضد
مذهبی مردم در ایران

در نتیجه این جلسات بیش از هزار نفر از هند و نیجریه و آفریقای
جنوبی تا بلژیک و ایرلند و لهستان و کانادا و آمریکا تا نروژ و روسیه
و نپال و سوئیس، و فرانسه و ایتالیا و هلند و انگلستان و برزیل و کلمبیا
و پاکستان و استرالیا با چهره ای دیگر و صدای متمایز و رسای جنبش
پیشرو و ماگزیمالیست ما در خاورمیانه آشنا شدند.
این سخنرانیها با وسیعترین استقبال شرکت کنندگان روبرو شدند.

وب سایت هایی که بولنتها و مصاحبه ها و سخنرانیهای ما را درج کرده اند:

- وب سایت رسمی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد

- کستیا بزرگترین کتابخانه انترنتی بین المللی

- کتابخانه دانشگاه ایالتی برکلی - کالیفرنیا

- کتابخانه دانشگاه لوند - سوئد

- کتابخانه دانشگاه گوتنبرگ - سوئد

- کتابخانه دانشگاه استکهلم - سوئد

- کتابخانه دانشگاه حقوق ایموری - ایالت آتلانتا آمریکا

- وب سایت یاهو نیوز - آمریکا

- وب سایت کانادا پرس - کانادا

- کتابخانه کالج آلبرایت - آمریکا

- وب سایت ایران دیلی - آمریکا

- بانک اطلاعاتی آته ایستی - آمریکا

- وب سایت دانشگاه اومانیتستی - هلند

- وب سایت سازمان اومانیتستهای سوئد

- انستیتو برای سکولاریزه کردن کشورهای اسلامی - آمریکا

- فصلنامه سکولاریستی اخبار بین المللی اومانیتستی - بریتانیا

- وب سایت سکولاریستی و علمی چرخها و پروانه ها - آمریکا

- وب سایت همبستگی با عراق - فرانسه

- وب سایت لیگ کمونیست بین الملل (انترناسیونال ۴)

- وب سایت سیاسی و فرهنگی سالون دات کام - آمریکا

- سازمان زنان برای آینده - آلمان

- وب لاگ عیان هیرسی علی - هلند

- وب سایت آته ایسم مثبت - هند

- وب سایت دفاع از حقوق بشر - آمریکا

- مجله این وستگیت مگزین - آمریکا

- سایت اطلاعات قرآن - آلمان

- نشریه انترنتی عرب تایمز

- وب سایت مسلمان بیدار شو

- وب سایت اکتیویسم مردان





- سازمان بین المللی خردگرایان - هند
- وب سایت فمینیستی پروچویس - فرانسه
- وب سایت برای فردا - آمریکا
- وب سایت ایران و جهان - آمریکا
- وب سایت ائتلاف بین المللی علیه اسلام سیاسی - آمریکا
- وب سایت آفریقا دات کام - فرانسه
- وب سایت پرسپکتیوز
- وب سایت قانون اسلامی - فرانسه
- وب سایت دایره العارف ماکسیو - فرانسه
- وب سایت بنگلادش مستقل
- وب سایت سازمان اندیشه آزاد - آمریکا
- وب سایت آته ایستی قفس - آمریکا
- وب سایت نیو ایچ اینترنشنال (عصر جدید بین المللی)
- وب سایت تحقیق مذهب - آمریکا
- وب سایت کتابخانه تکنیکی - آمریکا
- وب سایت دنیای زیر زمینی
- وب سایت بیماری هلندی
- وب سایت شهر آب - هلند
- گروه خبری اکسایت - ایتالیا
- وب سایت اسلام و اروپا
- وب سایت زنان مترقی - سوئیس
- وب سایت ارمنیان تبعیدی - آمریکا
- وب سایت اخبار بنگلادش - کانادا
- وب سایت جمهوری آزاد - آمریکا
- وب سایت راه میان بر به روشنگری
- وب سایت محدودیت بر رشد و توسعه - آمریکا
- وب سایت حق تصمیم گیری - آمریکا
- وب سایت دیپیکا گلوبال - هند
- وب سایت آته ایستی بد فکری
- وب سایت سرویس خبری این باکس - آمریکا
- وب سایت ستون ششم علیه جهاد - آمریکا
- وب سایت دیده بان جهاد - آمریکا
- وب سایت پنجابی دات نت - هند
- وب سایت مشاور مذهب
- وب سایت گوشه افلاطون
- وب سایت کانادا دات نت - کانادا
- وب سایت اخبار مذهبی بین المللی - آمریکا
- وب سایت گروه خبری اکسایت - فرانسه
- دهها وب سایت و وب لاگ شخصی به زبانهای هلندی، فرانسه، دانمارکی، آلمانی، سوئدی، انگلیسی و فارسی

کمیته دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه

www.middleeastwomen.org

اوت ۲۰۰۵

بولتن زنان در خاورمیانه شماره های ژوئن، ژوئیه و اوت ۲۰۰۵ منتشر شد!

"زنان در خاورمیانه" بولتن "کمیته پناهندگی و مهاجرت، ژورنالیستها، دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه" دانشجویان و دانش آموزان و است که تاکنون ۳۷ شماره آن نهادهای دولتی و یا وابسته به دولت منظمًا منتشر شده است. "زنان در خاورمیانه" به دلیل مبارزه با قوانین اسلامی و افشای بی حقوقی زنان در کشورهای اسلام مستقیماً در حاکمیت است یا در قدرت شریک است، محبوب و پر تیراژ است. این بولتن آخرین گزارشها، تفسیرها و مطالب، کمپینها و فراخوانها در دفاع از حقوق زنان در جوامع اسلام زده را منعکس می کند. "زنان در خاورمیانه" به سردبیری اعظم کم گوین و به زبان انگلیسی منتشر می شود.

بولتن "زنان در خاورمیانه" نه تنها در سازمانها، نشریات، وب سایت ها و شبکه های متعدد زنان، حقوق مدنی و سکولاریست پخش می شود، بلکه بطور روزافزونی مورد رجوع نهادهای آکادمیک و دانشگاهی، مراکز تحقیق مسائل

تصویب شد افغانستان: فرهنگ حاکم دشمن می گیرد عراق: افزایش قتلهای ناموسی در عراق: "ازدواج موقت" راه حل عربستان سعودی: ممنوعیت زنان محروم، بیکار و بیوه کویت: زنان دارای حق رای و حق انتخاب شدن برای مقامات سیاسی شدند فلسطین: اعتراض زنان علیه قتلهای ناموسی در ساحل غربی ترکیه: بهبود حقوق زنان در قانون مدنی جدید این کشور دارفور: تجاوز و خشونت جنسی علیه زنان و دختران ایران: تغییر در قانون سقط جنین بر مبنای پزشکی کانادا: ایالت کبک با دادگاههای حکمیت مبتنی بر شریعه اسلامی مخالفت کرد افغانستان: زنان بیوه از حق ازدواج مجدد محرومند مصر: مقاومت علیه ختنه زنان افغانستان: خشونت علیه زنان اوج

عراق: قانون اساسی اسلامی جدید حقوق زنان را پایمال خواهد کرد عراق: ینار محمد از مردم آزادیخواه خواست علیه سلب حقوق انسانی زنان در عراق اعتراض کنند پاکستان: سرنوشت مختار مای و بی حقوقی زنان در پاکستان ایران: هزاران زن علیه بی حقوقی و آپارتاید جنسی اعتراض کردند مصر: جوانان خواهان آموزش مسائل جنسی هستند عراق: اوجگیری قتلهای ناموسی هند: قانون اسلامی طلاق برای مسلمانان این کشور جداگانه

عراق: حقوق زنان را پایمال خواهد کرد عراق: ینار محمد از مردم آزادیخواه خواست علیه سلب حقوق انسانی زنان در عراق اعتراض کنند پاکستان: سرنوشت مختار مای و بی حقوقی زنان در پاکستان ایران: هزاران زن علیه بی حقوقی و آپارتاید جنسی اعتراض کردند مصر: جوانان خواهان آموزش مسائل جنسی هستند عراق: اوجگیری قتلهای ناموسی هند: قانون اسلامی طلاق برای مسلمانان این کشور جداگانه

خدا، دین و حقیقت

کاری که من انجام داده ام این بوده که نشان دهم جهان با قوانین علمی تعیین شده است. از این رو دیگر لازم نیست برای آغاز جهان به خدا رو کرد. این ثابت نمی کند که خدا نیست اما اثبات می کند که خدا لازم نیست.

استیون هاوکینگ

سر کردن حجاب اسلامی بر سر دختران خردسال بنا به تعریف یک تحمیل مذهبی و فرهنگی توسط فرقه ای خاص است. همانقدر که مریدان فرقه "دروازه بهشت" حق ندارند هنگام خودکشی برای پیوستن به "سفینه مادر" کودکانشان را هم همراه خود به قتل برسانند، اهل فرقه اسلام هم حق ندارند از زوا و بردگی و بی حقوقی زن در کیش خویش را صاف و ساده به سر دخترانی که در جمع آنان چشم به جهان گشوده اند نازل کنند. جامعه حق دارد، بلکه موظف است، از حقوق این کودکان دفاع کند، حتی اگر خود از بلایی که بر سرشان میاید بی خبر باشند یا آن را با آغوش باز پذیرفته باشند. جامعه حق دارد بخواهد استانداردهایی که به قیمت روشنگری ها و مبارزات حق طلبانه انسانهای بی شمار به نرم زندگی بدل شده اند، در مورد این کودکان نیز به یکسان رعایت شود. اینها فقط اموال اولیاء شان نیستند. شهروندان محترم و صاحب حق جامعه اند و جامعه در قبال حفظ حقوق آنها مسئول است.

منصور حکمت

اگر متعصبین مذهبی مانند تونی بلر و وزیر آموزش و پرورش کابینه وی می خواهند هزینه مدارس مذهبی را از جیب مردم بپردازند، مدرسی که اساسا متعلق به کلیسای کاتولیک هستند، شاید بهتر باشد با دوستان خاتم روت کلی (وزیر آموزش و پرورش) در فرقه "اوپوس دی" تماس بگیرند.

مارک هیوم

حجاب کاملترین شکل بروز نگاه عتیق، مردسالارانه و سکسیستی به زن در اسلام است. حجاب ابزاری است که به کاملترین شکل یک نوع انسان را زیر دست و خفیف و پست می کند. حجاب از این نظر مانند راسیسم و فاشیسم است. حجاب مکانیسمی برای کنترل زن در جامعه و تحمیل خفت و خواری به اوست.

اعظم کم گویان

من معتقد نیستم که هیچ انسانی می تواند بخاطر عقایدش مجازات شود یا پاداش بگیرد. اما معتقد به والا بودن طبیعت انسان هستم، به عشق و نوع دوستی انسان و انسانیت معتقدم و اینکه انسان هرچه را لایق خود می داند برای دیگران نیز شایسته بداند. من به تفکر آزاد، به خرد، به مشاهده و آزمایش عقیده دارم. بالاتر از هر چیز من به آزادی و آزادی انسان معتقدم.

رابرت گرین اینگرسوال

در دوره جوانی تکامل معنوی انسان، خیال انسان خدا را از روی تصویر انسانهایی ساخت که با اجرا کردن نیاتشان مصمم بودند به هر قیمتی بر این دنیای استثنایی اثر بگذارند. ایده خدا در تفکر مذاهب امروز نمونه متعالیتر شده همان برداشت قدیمی از خدا است. شکلهای انسانی که برای او قائل شده اند. نمونه حقیقی از درخواست انسانها در دعاها و التماسهایشان از خداوند برای برآورده کردن آرزوهایشان است. معلمین مذهبی برای تعالی اخلاقیشان باید قد و قامت این رو داشته باشند که دکترین خدای فردی را ول کنند. همین، ول کن اون ترس و امیدی که در گذشته چنان قدرت فوق العاده بزرگی به کشیشها داده بود.

آلبرت انشتین

من با کسانی که فکر می کنند تضاد اصلی صرفا و بسادگی بین اسلام و مسیحیت است، مخالفم. از نظر من تناقض و تضاد اصلی بین ایمان کور و غیر علمی با تفکر خردمندانه و منطقی است.

تسلیمه نسرین

من به زندگی بعد از مرگ عقیده ندارم هرچند که همیشه لباس زیرم را مرتبا عوض کرده ام.

وودی آلن

کواکرها معتقدند که اگر شما سکوت و صبر پیشه کنید، آنچه را خدا می گوید و می خواهد می شنوید. چهار صد سال از زمان ایجاد این فرقه گذشته و آنها هم همچنان منتظر شنیدن صدای خدا هستند.

رابرت مک نیل

من فکر می کنم مذهب و سیاست باید از یکدیگر جدا باشند و قانون اساسی که یک ابزار سیاسی است باید بدور از مذهب باشد. من معتقدم که دین امر خصوصی انسانهاست. چون تعداد خدایان و کتابهای مقدس زیاد است و انواع عقاید و خرافات وجود دارند، مشکل بتوان یکی از آنها را وارد قانون اساسی کرد و بقیه را حذف کرد و بیرون گذاشت. این یعنی بیرون گذاشتن همه مسلمانان، بودیست ها، سیک ها، و هم آته ایست ها که مقل من هستند. من فکر می کنم عاقلانه است که مذهب را وارد قانون اساسی نکنیم.

عیان هیرسی علی

زمان اتصال کلیسا و دولت در بریتانیا مدتهاست که گذشته است. این اتصال و نزدیکی باید ملغی شود.

سلمان رشدی

زمانی که یک مسلمان می گوید دیگر مسلمان نیست و یا صحبتها و بیان شما بنظر تندروهاؤ کفر و ارناد می آید، آنها معتقد می شوند که با قتل شما به بهشت خواهند رفت. اما من خیال دارم زندگی کنم و به آنها ثابت کنم که نه بهشت و نه جهنمی وجود ندارند.

عیان هیرسی علی

زنان و دختران! حکایت من

ترجمه: فرزاد نازاری



تسلیمه نسرين

عیان هیرسی علی اعظم کم گویمان و تسلیمه نسرين سخنرانان کنفرانس قربانیان جهاد در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در زنو در 18 آوریل 2005 بودند. متن حاضر ترجمه سخنرانی متن سخنرانی تسلیمه نسرين در غیاب او در کنفرانس قرانت شد. سخنرانی عیان هیرسی علی را در شمار قبل منتشر کردیم.

بنگلادش، جایی که من متولد شدم، کشوری است با 130 میلیون جمعیت و یکی از کشورهای پر جمعیت در دنیا. تراکم جمعیت در هر کیلومتر مربع 1000 نفر است. کشوری است که 70 درصد از مردم در زیر خط فقر زندگی میکنند، جایی که بیشتر از نیمی از جمعیت توانایی خواندن و نوشتن را ندارند، کشوری که بهداشت و درمان در آن ناکافی و نارسا است،

و جایی که درصد مرگ خردسالان بالا است، نزدیک به 40 میلیون از زنان نه دسترسی به آموزش و پرورش دارند و نه امکان اینکه مستقل شوند.

به خاطر سنت‌های قوی مردسالار، زنان از نابرابری و بیعدالتی غیرقابل تحمل رنج می‌برند و عذاب میکشند. آنها از سوء تغذیه از کم خونی و از مشکلات فیزیکی و روانی که درمان نشده اند رنج می‌برند. آنها معمولاً معالجه نمیشوند تا زمانی که به مرحله رفتن از این دنیا نرسند به بیمارستانهای خوب برده نمی‌شوند. آنها قرار نیست که مریض شوند زیرا آنها مشغول کارهای عادی و روزمره خانگی،

میزنند، سنگسار میشوند و مورد تجاوز قرار میگیرند و متهم میشوند که خود اجازه داده اند به آنها تجاوز شود و متجاوزین را آزاد میکنند. در کشور من خشونت علیه زن جرم تلقی نمی‌شود.

اجازه بدهید به عنوان مثال درباره یاسمین یک دختر پیشخدمت پانزده ساله برای شما بگویم که توسط اربابش به او تجاوز میشود، او از خانه ارباب فرار میکند و زمانی که به طرف خانه والدینش میرود تحت نظر پلیس قرار میگیرد و به او گفته میشود که قدم زدن در خیابان این وقت شب برای یک دختر امن نیست، به زور او را سوار وانتشان میکنند که به خانه ببرند، میدانید چه اتفاقی افتاد؟ 6 نفر پلیس به او تجاوز کردند، او را کشتند و جسدش را پرت کردند توی بوته ها. وقتی خبر قتل یاسمین به بیرون درز کرد، مردم روستای یاسمین علیه پلیس تظاهرات کردند.

پلیس به تظاهرات کننده ها شلیک کرد و هفت نفر را کشت. روز بعد اعلامیه ای از طرف حکومت صادر شد که یاسمین دختری فاسد و تنفروش بوده و پلیس هم حق داشته که با او اینچنین رفتار کند. این جور موارد در بنگلادش نادر نیست. من میدانم که در کشورهای دیگر هم چنین اتفاقی می‌افتد.

هیچکس به من نگفت که اعتراض کنم، ولی در سالهای اولیه عمرم احساسی قوی را در باره اهمیت مبارزه علیه سرکوب و ظلم رشد دادم. هیچکس از من نخواست که اشکی بریزم ولی من ریختم.

با کتاب نوشتن میخواستم که کارسازنده ای انجام دهم. من در باره احتیاج زنان برای فهم اینکه چرا سرکوب میشوند و چرا باید علیه این سرکوب مبارزه کنند نوشتم. قرن‌ها به زنان یاد داده شده است که برده مرد هستند و قرار نیست علیه سیستم پدرسالار اعتراض کنند و باید در برابر سوء استفاده کننده ها سکوت کنند. در نتیجه قبول این ایده

زاییدن و تربیت کردن بچه ها، مراقبت از خانواده و مطمئن بودن از خوشحالی اعضای مذكر فامیل هستند. و زنان اینجا محکومند که در تمام زندگیشان رعیت خانواده باشند. سرنوشت زن تحت حاکمیت پدر در دوران کودکی، تحت حاکمیت شوهر در دوران جوانی و تحت حاکمیت پسر در دوران پیری است. زیرا زنها ضعیفه تلقی میشوند، حقوقشان، آزادی هایشان، امیال و آرزو هایشان همگی تحت کنترل مرد است. چون زنها موجوداتی پست و درجه دو، رعیت و یک موضوع جنسی تلقی میشوند. برای زن و شوهر بزرگترین چیز ناخواسته نوزاد دختر است. جدایی زن برای جرمی که با دنیا آوردن نوزاد دختر مرتکب شده است امری غیر عادی نیست و یا باید تمام زندگیش را در بی احترامی سرکند. مذهب، سنت، فرهنگ و عادات، زنها را فکر، اخلاق، فیزیکی و روانی موجوداتی پست و درجه دو تلقی میکنند.

در نتیجه زنها بسیاری از بردگی، از قاچاق و از همه نوع تبعیضی در عذابند. مردها به بدن زنها اسید میپاشند، صورت هایشان را میسوزانند، بینی هایشان را لهه میکنند، چشم هایشان را داغ میکنند و مانند یک مرد خوشحال راهشان را میگیرند و می‌روند. زنها کتک میخورند، به آنها شلاق



یهودی های ارتدوکس امروز حرفی در باره قربانی کردن حیوانات و بردگی نمی زنند. در کشورهای که قوانین شریعت اسلام موجود است، جایی که سنگسار بزرگسالان و قطع اعضای بدن برای دزدی کردن قانونی است، هیچ محدودیتی برای بردگی ذکر نشده است. چند همسری و استفاده از صیغه در نسخه های کهنه بروشنی مورد قبول بوده است، اما هیچ جایی در دنیای مسیحی- یهودی امروز هیچکدام از این اعمال قانونی نیست. پس مقاومت در ادامه اعمالی که لکه دار کردن، ستم و سرکوب زنان در زیرمآسک مراجعه به کتاب مذهبی است، شوخی فریبکارانه است. چنین اعمالی باید ناشروع شوند همچنان که بردگی خدمه و غلامان نامشروع شده است. انسان با آینده نامعلومی روبرو است. احتمال نوع جدیدی از درگیریها از دور نمایان است. مخصوصا نزاع بین دو ایده متفاوت، سکولاریسم و بنیادگرایی. من با آنهایی که فکر میکنند که نزاع بین دو نوع مذهب متفاوت، مسیحیت و اسلام و یا یهودیت و اسلام است موافق نیستم. بدنبال این همه، در تمام جوامع مذهبی بنیادگرایی وجود دارد. من با آنهایی که معتقدند که جنگهای صلیبی قرون وسطی بزودی تکرار می شود و یا فکر میکنند که این نزاع بین شرق و غرب است موافق نیستم. برای من این دعوی بین مدرنیسم و ضد مدرنیسم است. دعوی است بین گذشته و آینده، بین نوگرایی و سنت، بین کسانی که برای آزادی ارزش قائلند و کسانی که قائل نیستند. من علیه همه نوع از خشونت فیزیکی و جنسی، تروریسم مذهبی، و تبعیضهای پدرسالارانه در حق زن نوشته ام. من یک رویا دارم: رویای یک دنیای زیبا، جایی که به هیچ زنی ظلم نخواهد شد، هیچ زنی قربانی قاچاق و خرید و فروش، اسید پاشیدن، تجاوز و اهانت های جنسی نخواهد شد. رویای من دنیایی است که در آن انسانها به همدیگر احترام

کنند. من معتقد هستم که تنوع دنیای مذاهب، زبانها فرهنگها و اقوام، فراوان نباید مستمسک و بهانه ای برای درگیری و نزاع باشد. بلکه گنجینه ای است که همه ما را بهره مند می کند. تنوع گنجینه ای است که باید تقدیر شود. در این دنیا فرهنگ مافوق و مادون وجود ندارد بلکه تنوع الگوها و طرحهای فرهنگی است که موزائیک رنگارنگ و زیبایی ما را آرایش می کند. انسانها نباید اجازه ستمگری را تحت نام مذهب بدهند. انسانها نباید تحت نام عادات و سنتها اجازه شکنجه مانند نقص عضو جنسی دختران را بدهند. انسانها نباید بر بریت، تحقیر، نابرابری و بیعدالتی را به نام فرهنگ مجاز بدانند. فرهنگ نمی بایست و نباید علیه انسانیت استفاده شود.

وقتی به اطراف نگاه میکنم، تصویری مشابه (ستمگری علیه زن) را در همه جا میبینم. چه فقیر باشند و چه ثروتمند، چه زیبا و چه زشت، چه چشم آبی و مشکی و قهوه ای، چه سفید پوست و سیاه پوست و قهوه ای پوست، متأهل و مجرد، باسواد و بیسواد، متدین و غیر متدین، زنان تحت ستم هستند، و سرچشمه مشکلات تدابیر مذکر مآب پدرسالاری، مذهب، سنت، فرهنگ و آداب و رسوم است. بخاطر ایمان کور، انسانها از خونریزی، نفرت، جهالت، بیسوادی، بی عدالتی و فقر در عذاب هستند و درد میکشند. اما اگر بر روی زمین دوستانه میخواستیم که عدالت را جایگزین بیعدالتی کنیم، میتوانستیم تمام مشکلات انسانیت که مسبب آنها ایمان کور مذهبی است را از بین ببریم. انجیل، تورات و قرآن بردگی را قبول کرده اند و از آن چشم پوشی کرده اند. مسیح آشکارا به برده ها میگوید که حکم اربابانشان را قبول کنند و از آنها اطاعت کنند، هیچکس امروز از بردگی خدمه و غلامان در انتظار عموم دفاع نمیکند و در هیچ نظام نامه ای قید کردن آن مجاز نیست. نه مسیحی های بنیادگرا و نه

میگذارند، احترامی که به جنگ و خونریزی و خشونت راهی نخواهد داد. برای متحقق کردن رویایم نوشته ام، دنیایی منطقی و عقلانی که انسانیت با انسانهایی مالا مال از عشق شکفته میشود نه با انسانهایی آکنده از نفرت. قلم من، سلاح من در این مبارزه برای سکولاریسم انسان گرا است اما افراط گراها با شمشیرشان آمدند که من را بکشند. کتابهای من را سوزاندند و از ناشرین کتابهایم شکایت کرده اند و به کتابفروشی هایی که کتابهای من در آنجا فروخته میشد حمله کردند.

آزادی بیان من مدام توسط حکومت نقض شده است. 25 کتاب نوشته ام که 5 تای آنها توسط حکومت ممنوع الانتشار شده اند و علیه من پرونده سازی شده است که کتابهای دیگرم را ممنوع کنند. یک دادگاه در بنگلادش به خاطر نوشته هایم من را به یک سال زندان محکوم کرد. در رساله های جاری حکومت همه چهار کتاب خاطرات من را ممنوع کرده است.

چیزی که من در خاطراتم نوشته ام فقط داستان زندگی من نیست، بلکه همان داستانی است که هزاران زن در باره آن می دانند، که چگونه زنان در جامعه پدرسالار زندگی میکنند که با صدها سنتش اجازه میدهد که زنان در عذاب باشند.

به عقب به روزهای دوران کودکی ام نگاه کرده ام و زندگی یک دختر بچه بودن را توصیف کرده ام، گفته ام که چگونه من را بزرگ کردند و توضیح داده ام که چه امتیازهایی داشتم که بسیاری از دیگران نداشتند. توانستم که تحصیل کنم و یک پزشک شوم چیزی که هزاران دختر حتی نمیتوانند خوابش را ببینند. میخواستم نشان دهم کجا و چگونه رشد کردم و چی باعث شد که من متفاوت فکر و عمل کنم. این اهمیت دارد که زنان را به طغیان علیه سیستم ظالمانه ای که من تحت آن رشد کردم و هنوز برای آنها ادامه دارد تشویق کرد. من به آنها حقیقت

را گفتم. من تمام چیزهایی که در زندگیم اتفاق افتاد را بیان کردم. طغیان علیه تجاوز و یا قصد تجاوز از طرف اعضای مذکر خانواده کسی، تابو است. دخترها سکوت میکنند زیرا آنها بد جوری احساس شرم میکنند. ولی من سکوت نکردم و گوش ندادم که مردم در باره من و یا خانواده ام چی گفتند. من اینرا خوب میدانم که بسیاری از زنها احساس میکنند که همچنان داستان آنها را هم بازگو میکنم. ما قربانیان باید با صدای بلند فریاد بکشیم، ما محتاجیم که صدایمان شنیده شود. باید با صدای بلند اعتراض کنیم و آزادی و حقوقمان را درخواست کنیم. ما باید زنجیرها و دستبندها و تهدیدها و کتک خوردنهایمان را قبول نکنیم و آنها را پس بزنیم.

اگر زنان برای جلوگیری از تحت ستم بودنشان توسط سیستم شرم آور پدرسالار و ظالمانه مذهبی مبارزه نکنند، پس شرم بر زنان! شرم بر ما برای اعتراض نکردنمان، برای مبارزه نکردنمان، برای اجازه دادنمان به ادامه سیستمی که بر بچه هایمان و همانطور بر نوه هایمان اثر میگذارد و برخورد میکند. داستان زندگی من داستانی نادر نیست. تجاربم بد بختانه با میلیونها نفر از کسانی که شبیه من عذاب کشیده اند تقسیم شده است. برای خودم و برای دیگرانی هم که نتوانستند از زندگی ثمربخشی که قادرند و مطمئنا بیش از آن لیاقتش را دارند لذت ببرند گریه کردم. ما زنان بیش از این نباید در تنهایی بمانیم، آرام در تنهایی گریه کنیم. من دیگر در تنهایی به خاطر چیزی که از آن عذاب کشیده ام و از کشورم به بیرون پرت شده ام گریه نمیکنم. بجای قادر بودن به زندگی در محیطی که در آن به دنیا آمدم و رشد کردم به من بدیل زندگی کردن در غرب را دادند جایی که من مجبورم احساس کنم که یک خارجی هستم.

من، به گفته های دیگر، در کشور خودم و اینجا در غرب جایی که هم اکنون زندگی میکنم یک غریبه



فرزاد نازاری

در باره خدا: اثبات و عدم اثبات وجودش! در جواب به خداپرست

خدا موهومی است که انسان در دوران جهالتش در برابر ترس از قهر طبیعت برای استمداد به بقایش آن را در ذهن خود خلق کرد. هر موجود زنده ای، قبل از هر چیز برای ادامه زندگی به مایحتاجی نیازمند است از انسان و حیوان گرفته تا گیاهان. اما چگونگی رفع این نیازها کاملاً با هم متفاوت است. حیوانات و گیاهان نیازشان را مستقیماً از طبیعت میگیرند ولی انسان باید نیازمندی هایش را تولید و خلق کند. داستان خلقت خداوند هم از اینجا مایه و سرچشمه میگیرد انسانی که زندگی و مایحتاج زندگی را بسختی خلق میکرد، در ذهنش قدرتی را خلق کرد که

در این همه سختی یاری اش دهد و از رنجهایش بکاهد هزاران سال این قدرت همراه با قدرت خلاقیت خود انسان دگرگون شده و به امروز رسیده است. انسان برای ادامه بقا و جلوگیری از انقراض خود به دلیل نیازش، از انسان میوه و دانه چین روی درختها، به انسان ابزار سازو نیزه درست کن و کاشف آتش و پناه بردن به غارها قدم میگذارد، و به کشف کشاورزی و صنعت و تکنولوژی پیشرفته و کامپیوتری امروز میرسد، که این پروسه تا به علیاً ادامه دارد. راز بقای انسان و از اینکه تا به حال مانند هزاران موجود دیگر منقرض نشده و از بین نرفته در اجتماعی بودن و ابزار ساز بودنش و پس زدن قهر طبیعت است. که داستان تکامل انسان امروزه دیگر چیزی غیر قابل انکار است، برای نمونه کشف استفاده از آتش انسان را مرحله ای بزرگ در تکامل به پیش راند که یکی از مهمترین آنها کمک به تکامل ارگانیکی انسان بود، مسئله جویدن و هضم غذا، انسان برای جویدن و هضم گوشت خام وقت بسیار بیشتری را صرف میکرد و پروتئین بسیار کمتری را به بدن میرساند ولی با پختن آن نیمی از این پروسه هضم غذا که یکی از نیازمندی های اصلی انسان برای زنده ماندن است، در بیرون از بدن اتفاق می افتد و این باعث میشود که انسان در وقتی کمتر پروتئینی بیشتری بدن خود بدهد که این باعث بزرگتر شدن مغز انسان و متفکرتر

شدنش شد. و باعث شد انسان قدم اولیه را در تسخیر طبیعت بردارد و به عمر خود اضافه کند. در این باره میشود زیاد نوشت و منابع مطالعه در این خصوص هم فراوان است. اما هدف من از ذکر بخش بسیار کوچکی از پروسه چگونگی رسیدن انسان از اول تا به کنون این بود که، انسان محصول خلقت خدا نیست بلکه محصول تکامل است. امروزه تمام ادیان و خدما داران با این مخالف هستند و مخالفتشان هم صرفاً غیر منطقی و غیر علمی است. در پروسه تکامل، انسان خودش و ابزارهایی را که میسازد و همراه آن تفکر و مغنویاتش هم تکامل می یابد. انسان از تراشیدن سنگها به تکنولوژی انفورماتیک میرسد و همچنین استاندارد سنش بالا میرود و در کنار آن از پرستش جلوه های طبیعت ماه، خورشید و ستارگان و حیوانات به خدای یگانه و قادر مطلق و بعد خلاصی از خدا و بی خدایی و باز گشت به خود و از بین بردن از خود بیگانگی، و خلاصی از پناه بردن به متافیزیکی و ماورالطبیعه.

حال اگر به قول خدا مداران معتقد به خالق برای این عالم باشیم، منطقی که این دوست از ما تقاضا کرده است حکم میکند که بپرسیم پس خالق این خالق کیست، چرا چون تسلسل علل باطل نیست، علت و معلول مقوله هایی مادی هستند و خلقت و خالق هم همچنین، اگر در زمانهای دور خلقت خدا

توسط انسان و تمکین به یک قدرت مطلق که به وجود آورنده این عالم است منشأش جهالت و ترس انسان از طبیعت و قهرناشناخته اش بود. امروز دیگر این منشأها پاخورده و زیادی نادرست و غیر علمی هستند و دلایل، هنوز فکر کردن انسان ها به خدا و نیاز آنان به یک قادر مطلق، جهالت از نوع قرنهای پیش نیست بلکه دلایلی سیاسی دارد. چون خدا را علم انسان در قرن های اخیر تکاملش و بیشتر مسلط شدنش بر قهر طبیعت و شناخت عملکردهایی که در حیات انسان دخیل هستند را در دانشگاه ها و در علوم طبیعی و انسانی از آسمانها به زمین کشیده است. و از دانشی که به دلایل مختلف که (همه اجتماعی- سیاسی هستند) و برای تمام انسانها قابل دسترسی نیست شکست خورده است و به پستوی خانه، ذهن انسان آگاه سپرده شده است. و اما این دلایل سیاسی - اجتماعی و چرایی وجود آمدن آنها دیگر به سیستمها و نظامهایی مربوط میشوند که انسانها در چهارچوب آن زندگی میکنند و نسبی هستند. نظامهایی که افسانه خدا و دین برای آنها و سیستمشان حیاتی است و نگهداشتنش و جلوگیری از زوال آن بخش مهمی از منافعشان را تامین میکند. سیستمی هم که امروز بر این کره خاکی یعنی "مسکن انسان" حاکم است سیستم سرمایه داری است که بنیانش بر استثمار انسان از انسان استوار است. این نظام برای تسهیل این پروسه استثمار

افراط گرا، بنیاد گرا، علیه نیروهای بی تحمل و بدون مصالحه تا مرگ ادامه می دهد. امروز، که من صحبت میکنم، میدانم که بسیاری گشته شده اند، امروز، که من صحبت میکنم، بسیاری از زنان کتک خورده اند، به آنها تجاوز شده و به قتل رسیده اند. امروز میدانم که از کودکان زیادی به خاطر نفرت و بی تحملی سوء استفاده شده است. و روبرو شدن و برخورد این است که

در حقیقت این درست نیست البته که من خانه ای دارم. خانه من عشق است، عشقی که از طرف زنان در تمام دنیا به من میرسد. این است خانه من، عشقی که از طرف آدمهای عاقل و منطقی، متفکرین آزاده، سکولارها و انسان دوستان، محبت و عشقی که شما به من دارید، این است خانه من.

هستم. کجا میتوانم بروم؟ هیچ جا تبعید، برای من یک ایستگاه اتوبوس است که منتظر اتوبوس هستم تا به خانه برگردم. 10 سال در تبعید زندگی کرده ام. من هنوز احساس نمیکنم که هیچ خانه ای، خانه من و هیچ کشوری کشور من است. احساسم نا امید است و بی کمک بعضی مواقع از خودم سوال میکنم این درست است، حقیقتاً من خانه ای ندارم؟



نیاز به انسان از خود بیگانه با هویت‌هایی کاذب دارد، هویت‌هایی که هویت اصلی انسان که اساسا اجتماعی- طبقاتی است را در زیر آواری از این کذب‌های محض می‌پوشاند و آنها را به پیروان ادیان مختلف، ملیت‌های مختلف و نژادهای مختلف تبدیل می‌کند. خدا ودین یکی از این هویت‌ها و آفریده‌های کاذب هستند. که انسان مولد را برای رسیدن به همان هویت اصلی که جامعه، اجتماعی بودن، کار و تولید تمام مایحتاج لازم برای بقای خود است را مانع می‌شود و تنها دلیل سیستم سرمایه داری برای جلوگیری از زوالش همین است. قادر مطلق را در ذهن انسان می‌سازد تا جلو درک آن قدرت عظیم اجتماعی انسان که (زندگی و همه چیزش را ممکن می‌کند و اساسش بر روی تولید این مایحتاج است) را بگیرد. نگاهی به زندگی انسان امروز در مسلط شدنش بر طبیعت بیاندازید و به چندین صد سال پیش برگردید و همین انسان را با آن انسان و آن جامعه مقایسه کنید.

منکر خدا به دلیل نامرئی بودنش نیستیم چون خیلی چیزها و مواد وجود دارند که نامرئی هستند. ما منکرش هستیم چون وجود ندارد چیزی که وجود ندارد اثبات ناموجود بودنش آسانتر از عکس آن است. این خدا و خدامداران هستند که مشکل اثبات وجودش را دارند. سوال می‌کنیم که باشد فرض کنیم که این انسان و این کائنات خالق دارد، آیا میتوان گفت که هدف از این آفرینش با این همه در دسرهای چیست؟ جواب می‌دهند که هدف آزمایش انسان است. اصولا آزمایش را کسی به کار می‌برد که در رابطه با مخلوقش و یا چیزی که میخواهد به آن پی ببرد، واقف نیست و از طریق آزمایش و تست به

صحت آن پی می‌برد. یعنی آزمایش متدی است که کسی برای اطمینان از درست بودن کاری یا نظریه ای به کار می‌برد. که این به خودی خود دال بر آگاهی ناکافی شخص آزمایش کننده است و در رابطه با خدا قادریت مطلقش را زیر سوال می‌برد.

برای جواب به این که خداوند خود چگونه بوجود آمده است. می‌گویند لطفا چشمانتان را ببندید و یک موجود را در ذهن خود خلق کنید، حال این موجود می‌خواهد درباره ی نحوه پیدایش شما فکر کند، آیا موفق میشود شما را درک نماید؟ آیا اگر موفق نشود میتواند بگوید که شما وجود ندارید؟

انسان هنوز موفق به خلق موجودی متفکر مانند خود نشده است. (البته "کلون کردن"، انسان که خدامداران و دین دیوانه وار مخالف آن هستند) و کامپیوتر که مشهور به انسان نیمه هوشمند است بماند، البته که قادر به درک انسان خواهد شد و همچنان که انسان پی برده است که وجودش محصول تکامل و جنگ با طبیعت است او هم به وجود انسان پی خواهد برد و اولین کسی که به آن موجود راز وجودش را بگوید خود انسان خواهد بود، که خداوند فرضی ما با وجود مطلق بودنش هنوز قادر به کشف این راز برای مخلوقات خود نشده است! ما در رابطه با خداوند این حالت را نداریم چون خداوند مخلوق ذهنیت دوران جهالت خود ماست.

باز یادآور می‌شوند که کسانی اصلا به ماوراالطبیعه اعتقاد ندارند و جهان را فقط ماده بیان می‌کنند. باید از ایشان پرسید آیا تا به حال خوابی دیده اید که بدون هرگونه سابقه ذهنی اخباری از آینده را به شما اطلاع داده باشد ولو مربوط به زمان کمی در آینده باشد.

من شخصا خوابهای زیادی در باره

آینده میبینم و میدانم که آینده ورق سفیدی است که انسانها با تلاشها و اختراعات و پراتیک و عملشان میروند که آینده را شکل دهند. برای مثال پرواز در همه دوران خواب و آرزوی انسانها بوده است و این خواب و آرزو را بر ورق سفید آینده های گذشته، انسانهایی که موفق به اختراع و فهم قوانین طبیعت شدند نوشتند و امکانپذیرش کردند. ولی من تابحال خواب یک قادر مطلق را ندیده ام. ماوراالطبیعه هم بخشی از طبیعت است چون ماوراالطبیعه صرفا زایده ذهن انسان طبیعی است، کلمه اش طبیعی است، از ذهن موجودی طبیعی به بیرون تراوش میکند و دلیل اثبات متافیزیک بودنش فیزیکی است. آیا میتوان متافیزیک را بدون استفاده از فیزیک و جهان مادی توضیح داد. و یک مقولات و الفاظی را به کاربرد که متافیزیکی باشند؟ یعنی از این جهان مادی بهره ای نبرده باشند. نمی توان متافیزیک را با فیزیک شرح داد و انتظار داشت که مردم از شما قبول کنند. مکان و زمان مادی است ولی شما می‌گویید که خدا غیرمادی است پس تلاش کنید حداقل از این خدا وقادر مطلق خواهش کنید که شما را برای اثبات وجودش با موهومات غیر ممکن و غیرمادی یاری کند.

و در آخر می‌گویند همینکه ما به وجود خدا اعتقاد راسخ پیدا کنیم، از آن به بعد مشکلات یکی پس از دیگری محو میشود

وسوالات، پاسخهای آرامبخش خود را می یابند و دل انسان آرامشی را که بدنیا آن می‌گردد خواهد یافت.

کدام اعتقاد راسخ و کدام پاسخها؟ این اعتقاد راسخ چگونه است و در صورت داشتنش خداوند کدام پاسخها را میدهد و کدام مشکلات را حل میکند این چه خدایی است که من مخلوق خدا را و آرامش و امنیت و حقوق انسانی ام را منوط به

اعتقاد راسخ به خودش میکند. چندین هزار سال است که این نیروی الهی بر این کائنات حکم میراند ولی هنوز بخش عظیمی از مخلوقاتش در فقر، بدبختی و نابرابری غوطه میخورند. چندین نسل دیگر باید قربانی دست خدایان زمینی شوند تا این خدای آسمانی ما دل سنگش به رحم آید و این همه بدبختی را ببیند. این اعتقاد راسخ باید از کدام نوع باشد، چه کسی می‌خواهد تضمین کند این اعتقاد از آن نوعی است که منظور قدرت الهی است؟ پیامبران، امامان، خلفا، شیوخ، صوفیا ن و عرفا؟ چه کسی مهر این راسخیت را بر اعتقاد ما میزند تا نهایتا خداوند به خود نهیبی بزند و این قدرتش را بکار اندازد. انسان به دنبال چه چیزی است که باید با ایمان به این قدرت آرامش یابد؟ سوای خدایان زمینی، اکثریت عظیم این کره خاکی به دنبال یک زندگی بارفا و آزاد و برابر است، از فقر و بیماری و استثمار و جنگ و نابرابری که مخلوق این خدایان با همکاری خدای آسمانی‌شان است. متفکر هستند و باور کنید این نوع زندگی را نمی‌خواهند.

انسانها اگر موفق شوند که این نظام نابرابر را پس بزنند، که مشغول تلاش برای آن هستند و همراه آن معنویات نابرابر و خرافایی که محصول این سیستم نابرابر هستند را پس خواهند زد و آن را به تاریخ حواله خواهند کرد. آن روز، دوره زندگی انسان مانند یک انسان شروع خواهد شد و باشکوه خواهد بود. به بی خدایان بپیوندید تا آن روز باشکوه را متحقق کنیم.



نامه های شما

مهدی ف. از ایران

کرده ام که هنوز اثر آن در من هست، ترس زیادی دارم. با وجود آنکه ۱۶ سال در این سرزمین تبعیدی می باشم این دوره ۲۶ ساله برای من مثل یک کابوس هست که می خواهم هر لحظه بلند شوم و ببینم که خواب بوده اما....

الان هم بدون آینده اینجا دارم روزگار خود را سپری می کنم، نتیجه آن زمان را می کشم. پرسش این است که آیا این دروه یک پایان خواهد داشت؟ زیرا جمهوری اسلامی روزی که سر کار آمد همان روز سقوط کرد و الان هم که روی پا ایستاده بخاطر اتحادیه اروپا می باشد. اینها هم مثل یک عروسک جمهوری اسلامی را در دست دارند. این ریسمان کی پاره می شه؟ آیا اصلا قادر به پاره کردن این ریسمان صد دست هستیم یا نه؟ شاد باشید و برایتان آرزوی تندرستی دارم.

جان مک ناب از آمریکا

من با دیدگاه شما در مورد منع حجاب برای دختران زیر ۱۶ سال موافقم. اسلام هم مانند سایر فرقه های دین ادیان سازمان یافته بر آوندها و روحانیون انگل صفت تکیه می کند تا حداقل نصف جمعیت جامعه یعنی زنان و دختران را تحت ستم قرار دهد. اسلام مانند کاتولیسیسم به کشیشان متکی است که زندگی آزادانه مردم را محدود و کنترل می کنند. بگذاریم مردم آزادانه فلسفه دینی و غیر دینی حاکم بر زندگی خود را انتخاب و تعیین کنند. اما بیایید علیه آخوند و کشیش در هر شکل و ظاهری تبلیغ و خطابه کنیم.

نوگی ایموخودی از سازمان دیده بان حقوق زنان نیجریه

اعظم عزیز از بولتن بارزش شما بسیار استفاده کردیم. ما علیه آزار جنسی در نیجریه فعالیت می کنیم و بولتن شما را برای لیستها و جمع های خود ارسال می کنیم تا آگاهی و اطلاعات آنها در این زمینه ها افزایش یابد. بنظر می آید که زنان در اکثر نقاط دنیا به انواع و موجودات در معرض انهدام تبدیل شده اند.

دیل هرد از شبکه رادیو تلویزیونی سی. بی. ان نیوز آمریکا

خانم کم گویان عزیز من از خواندن مقالات شما بسیار استفاده کردم. من در صدد تهیه یک برنامه در مورد قربانیان اسلام هستم و ماه آینده در انگلستان خواهم بود. آیا ممکن است شما را ملاقات کنم و با من برای تهیه این برنامه همکاری کنید؟ بویژه در نظر دارم از زنانی که اسلام را ترک کرده اند و زندگی گذشته و فعلی آنها این برنامه را تهیه کنم. از هر نوع همکاری شما قدردانی می کنم.

استارواک از انگلستان

اعظم عزیز، من مسلمان نیستم اما درباره قانون اسلامی شریعه مطلم و می خواهم به شما بگویم که قتل ناموسی در قانون اسلامی شریعه و در سنت اسلامی نیست. مقاله شما در این مورد بی اساس است.

بی خدایان را تکثیر و پخش کنید!

با سلام و خسته نباشید. بی خدایان ۱۷ رسید و از شما ممنونم. بی تردید در جهان امروز ما مذهب نقش مخربی در امور زندگی، سیاست، فرهنگ و اجتماع دارد. این را سیاستمداران و سرمایه داران بخوبی می دانند اما برای به بند کشیدن انسانها چیز بهتری از اینها وجود ندارد. مذهب کلید همه بدبختیهاست. مذهب دنیای رویاها و امور غیر عادیهاست. انسانها همیشه در آرزوی خوشبختی می زیستند اما مذهب این خوشبختی را سد کرد انسانها را به کج راه کشید که امروز برای خلاصی از آن به نیروی عظیمی نیاز است. من فکر نمی کنم هیچیک از سیاستمداران و سرمایه داران در سراسر جهان به مذهب معتقد باشند. مذهب یک وسیله است. من معتقدم باید یک جنبش ضد مذهب یا سازمانی بنام "سازمان مبارزه با مذهب" بوجود آورد تا انسانها رهایی یابند. این تنها بدست کمونیستها میسر است. اعظم جان دیگر وقتت را نمی گیرم. موفق باشید.

فرهاد از سایت سکولاریسم برای ایران

خانم کم گویان سپاسگزار خواهیم شد که اگر سایت "سکولاریسم برای ایران" را در سایت بی خدایان لینک کنید. این سایت به سکولاریسم، آته ایسم و حقوق بشر تعلق دارد. امیدوارم همچنان شاهد مقالات پربار و ارزشمند بیشتری از شما در سایت تان باشیم. پیروز باشید.

ز. ر. از تهران

اصلا فکر نمی کردم کسی به ای میل جواب بدهد. لطف کردید و متأسفانه ما چون در ایران هستیم به سائیتی که معرفی کردید دسترسی نداریم. از ماه آینده تشریه شما را در سطح شهر پخش می کنم. البته طول می کشد امکانات آن را تهیه کنم اما تمام تلاشم را میکنم. به امید دیدار شما در ایران. موفق باشید.

زهره از ایران

درود به شما بانوی گرامی. سائیتی را که معرفی کردید دیدم و بسیار عالی بود و خیلی لطف کردید. من و دوستانم خیلی خوشحال می شویم که بتوانیم کاری برای آزادی ایران انجام بدهیم. حداقل بخاطر اینکه خودمون آزاد بشیم. موفق باشید.

نامه دوم زهره از ایران

سلام، اولین بار است که برای شما ای میل میفرستم. از طریق یکی از دوستان ما هنامه شما را خوندم و بهتون تبریک می گم واقعا بی نظیره، خیلی خوب بود می شد اگر تمام مردم ایران می توانستند مطالب شما را بخوانند. دوست دارم با شما همکاری کنم اما اصلا استعداد نوشتن ندارم ولی هر زمان به کمکی در ایران احتیاج داشتید خوشحال می شم بتونم کاری انجام بدم. تا الان هر کاری از دستم بر اومده با شرایط بد خانواده انجام داده ام. ولی تنهایی بیشتر از این همیشه کاری کرد. بیشتر از این وقتتان را نمی گیرم و هر زمان در ایران کمکی خواستید به من بگوئید. با آرزوی آزادی ایران. پیروز باشید. بدرود.

افشین تیرانی

یک مطلب شما که در باره اسلام و کشتار مردم و حتی بی گناهان را در ماهنامه بی خدایان خواندم. آن دوره را با وجودی که سیاسی نبودم تجربه

چرا مسلمان نیستم

اولین عذاب تنهایی است خیلی سخت است که آدم هیچ همراه و موافقی نداشته باشد پس از آن عدم آزادی بیان عقیده است که از ارکان اسلام و عامل بقا و استمرار انست وقتی آدم اجازه نداشته باشد عقیده بود: ندیدن دلیل بر وجود نداشتن اش چیزی نیست بیان کند یعنی اجازه صدور مثل ما امواج رادیویی را نمیبینیم محصولات فکری خود را که برای اما آنها وجود دارند و بعد به دروغ تولید آن زمان و انرژی صرف به دانش آموزان میگفتند که متریالیستها میگویند هرچیز که دیده نشود وجود ندارد و بچه های بیگناه که اصلا ماتریالیسم را نمیشناسند اسلام بدون آن باور میکردند به نظر من آموزش چرندیات مذهبی در دبستانها و دبیرستانها یکی از بزرگترین جنایات اسلامگرایان به فتن است جنبش بیخدایی باید همه گیر شود و همه مردم دنیا باید به مضر بودن دین در دنیای کنونی ایمان بیآورند اسلام اگر من در جامعه ای بیمار در کنار حکومت کند آدمهای خوب همه به کنار زده میشوند و در همه عرصه ها یک مشت احمق جنایتکار ذهنگرا روی کار می آیند و جامعه را به تباهی میکشند مصداق این بیت شاهنامه هنر خوار شد جادویی ارجمند/نهان راستی آشکارا گزند شده بر بدی دست دیوان دراز/ زنیکی نبودی سخن جز به راز و آنگاه آسیب آن به همه افراد جامعه میرسد چه به این آیین سراسر جهل و جنایت معتقد باشند چه نباشند زندگی برای یک ماتریالیست در یک جامعه اسلامی واقعا دردناک و عذاب آور است شکنجه ای هولناک است

ذاتی است یا اکتسابی. خلاصه من در دامهای خربگیری مذهب نیفتادم زیرا همه دلایل و استدلالهای آنها برای من کودکانه و مسخره بود بعدها وقتی ماتریالیسم را مطالعه کردم چهره خرافات مذهبی برایم نمایانتر شد و فهمیدم که مبلغان مذهب از چه قماشیه هستند. دادخواست من علیه مذهب و خصوصا اسلام مربوط به ظلمی است که از طرف یک جامعه اسلامی بر من رفته است من ریشه همه محرومیتها و نادیده گرفته شدن حقوق انسانی ام را اسلام میدانم و از آن سخت شاکه ایسم و تقاضای اشد مجازات برای آن یعنی حذف همیشگی آلودگی اش از دامن بشریت را دارم و البته خود در ایمن راه آماده مبارزه هستم آنچه جوانی ام را از من دزدید و آنچه مانع شکوفایی استعدادهايم شد همانا آیین غیر انسانی اسلام بود اسلام قاتل لحظات عمر من است. در دوران دبیرستان من مجبور بودم مطالب چرندی را که بطلان و غیر منطقی بودن آنها برایم مثل روز روشن بود تحت عنوان معارف اسلامی حفظ کنم و حتی حق انتقاد کردن از روش غیر منطقی آنها نداشتم زیرا بارها تهدید به اخراج از دبیرستان شدم لحظات گرانبهایی از عمر من صرف خواندن اجباری معارف اسلامی برای کنکور شد در حالی که باید این وقت را در رشته خودم صرف میکردم به نظر من این یک نوع شکنجه روحی است

دادخواست من علیه اسلام

بهزاد رحیمی از ایران

اولین باری که در مورد کلمه خدا کنجکاو شدم کلاس دوم ابتدایی بودم من برای رد و نپذیرفتن این تصورات احمقانه رنج و زحمت زیادی متحمل نشدم زیرا خوشبختانه خرافات مذهبی را فقط در مدرسه میخواندم داشتند به خورد من بدهند و در خانه ما مذهب جایی نداشت برای اولین بار در کتاب دینی با اولین مفاهیم مذهبی روبرو شدم و ابتدا مفهوم خدا مرا به فکر برد. آنقدر برایم نا مانوس و گیج کننده بود که قادر درک آن نبودم ناچار سوال را نزد پدر بردم: خدا کجاست؟! او گفت: انسان قادر است هر موجود عجیب و غریب و ناممکنی را در ذهن خود بسازد کافیت چشمه‌ایت راببندی و تصورش کنی همین من از این جملات جوابم را نگرفتم پرسیدم: یعنی خدا وجود ندارد؟ پدرم گفت من کی همچین حرفی زدم خدا وجود دارد من بعدها فهمیدم که پدرم راست میگفت خدا وجود دارد اما فقط در ذهن انسان و البته منظور او هم همین بود من تا جایی که یادم می آید بچه سمجی بودم هیچ چیز برایم بدیهی نبود و هیچ چیز را بدون دلیل نمیپذیرفتم هنوز نمیدانم این خاصیت من

Fuck the Islamic Republic



خدایان ۷

رابرت گرین اینگرسول

۱۸۷۱ -

ترجمه: اعظم کم گویان

به ما گفته شده که کائنات و این جهان، طراحی و خلقت شده است. اما این پندار که ماده از ازل وجود داشته، مهمل است. طبق این نظریه، خدا از ازل وجود داشته و جهان را خلق کرده است. اگر خدایی جهان را خلق کرده است پس باید در زمان معینی این خلقت را آغاز کرده باشد و قبل از آن زمان باید ابدیتی بوده باشد که در آن هیچ چیزی وجود نداشته است، مطلقاً هیچ چیز بغیر از خدایی فرضی. طبق این تئوری، خدا در ابدیت بسر برد، در یک خلا لایتناهی و در خدائیت کامل. اذعان به خلقت جهان توسط خدا، این سوالات را مطرح می کند: خدا از چه چیزی جهان را خلق کرد؟ مطمئناً او جهان را از هیچ خلق نکرد. حتماً باید ماده خارجی وجود می داشته است که البته این ماده خام هم طبق تئوری مربوطه اصلاً وجود نداشته است. پس باید خدا جهان را از خودش درست کرده باشد چون خودش تنها موجود بوده است. جهان، مادی و ماتریال است و اگر از خدا درست شده باشد، پس باید خدا هم مادی و ماتریال بوده باشد. طبق همین منطق، آناکسمیندر به نقل از میلنوس چنین گفت: "خلق یعنی تجزیه بی نهایت" گفته شده است که زمین به خورشید سقوط می کرد فقط به این دلیل که توسط جهانی دیگر جذب می شد و آن جهان دیگر توسط دنیاها دیگر جذب می شد و این تا بی نهایت ادامه می یافت. این نشان میدهد که جهان مادی، لایتناهی است. اگر یک جهان لایتناهی از یک خدای

لایتنهای ساخته شده، چقدر از موجودیت آن خدا باقی مانده است؟ اما ایده یک خدای خالق بتدریج کنار گذاشته شده است و تقریباً همه اذهان و افکار علمی بدرستی تائید کردند که جهان می باید از ابدیت وجود می داشته است. جهان غیر قابل زوال است و نمی تواند خلق شده باشد. این افتخار قرن ماست که عدم زوال و وجود همیشگی نیرو و انرژی را ثابت کرده است. نه ماده و نه انرژی قابل اضافه شدن یا محو کردن نیستند. انرژی نمی تواند از ماده جدا باشد. ماده فقط در ارتباط با انرژی وجود دارد و نتیجتاً ثابت شده که نیرو مستقل از ماده و برتر و ماورای طبیعت غیر ممکن است.

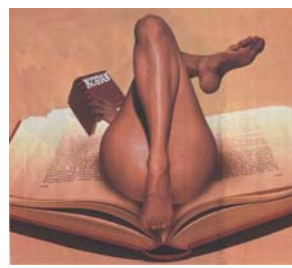
پس باید نیرو و انرژی از ابدیت موجود بوده باشند و نمی تواند خلق شده باشند. ماده در اشکال بسیار متنوع و بی شمارش، از زمین سفت و مرده تا چشمان کسانی که ما دستشان داریم، و انرژی در تمام اشکالش بروزش، از حرکتی کوچک تا تکانهای عظیم در جهان، ایده خلقت و کنترل جهان توسط خدا را رد می کنند. تفکر، شکلی از انرژی است. ما با همان نیرویی که راه می رویم، فکر هم می کنیم. انسان یک اورگانیزم است که اشکال متعدد نیرو را به نیروی تفکر تبدیل می کند. انسان ماشینی است که در آن چیزی که آن را غذا می نامیم را وارد می کنیم و چیزی که آن را تفکر می خوانیم، تولید می کنیم. به شیمی فوق العاده ای فکر کنید که نان را به تراژدی جاودانی هملت تبدیل نمود.

اگر نه ماده و نه نیرو خلق نشده باشند، ما چه شاهی بر وجود یک موجود مافوق طبیعت داریم؟ الهیون احتمالاً خواهند گفت: "ما نظم و قانون داریم، علل و نتایج را داریم و مهمتر از همه ماده نمی توانسته خود را به حرکت وادارد." فقط محض خاطر ادامه روال بحث، تصور کنید که موجود مافوق طبیعت وجود نداشته و ماده و انرژی از ابدیت وجود داشته اند. حالا فرض کنید دو اتم به یکدیگر نزدیک می شوند، آیا اتفاقی می افتد؟ بله. فرض کنید تأثیر مخالف بر هم می گذارند. اگر اینطور بشود، شما هم ماده، هم انرژی و هم نتیجه و تأثیر را دارید بدون موجودی مافوق طبیعت. حالا فرض کنید دو اتم دیگر در اوضاع و احوالی یکسان بهم نزدیک می شوند. آیا تأثیر و نتیجه عیناً مانند مورد اول نیست؟ چرا. پس ما نظم و قانون در طبیعت داریم. علل مشابه، نتایج مشابه ایجاد می کنند و این همان چیز نیست که ما نظم و قانون می نامیم. پس ما ماده، انرژی، علل و نتیجه و نظم و قانون داریم بدون اینکه موجود مافوق طبیعتی وجود داشته باشد. در این منطق هیچ چیز بجز فضای خالی برای موجود مافوق طبیعت باقی نمی ماند. تخت فرمانروائی او ناموجود است و قلمرو او مادیت

ندارد، نیرویی ندارد و قانون و علت و نتیجه و محصول هم ندارد. اما چه چیزی این همه ماده را به حرکت واداشت؟ اگر ماده و انرژی از ابدیت وجود داشته، پس ماده باید همیشه در حرکت بوده باشد، بدون ماده، انرژی وجود نداشته است. انرژی همیشه فعال بوده و خواهد بود و هرگز توقفی برای آن نخواهد بود. نتیجتاً اگر ماده و نیرو از ابدین وجود داشته اند، پس حرکت هم از همان ابدیت موجود بوده است. در کل کائنات، حتی یک اتم هم در حالت سکون نیست. یک خدای خالق طبیعت که در هیچ زندگی می کند، هیچ است. طبیعت با تمام وجود ماده و انرژی را در آغوش گرفته و رشد می دهد. هر چیزی ورای ماده و انرژی، ناموجود، نامربوط و لایق تحسین و عبادت حتی یک تک انسان هم نیست و نباید باشد.

فقط یک راه برای نشان دادن نیروی مستقل و برتر از طبیعت وجود دارد و آنهم با قطع تداوم علل - نتیجه و فقط برای یک لحظه ممکن می شود. یک حلقه را از زنجیر دائماً متصل و طولانی علل - نتایج قطع کنید، این پروسه متوالی عظیم را یک لحظه متوقف کنید و آنوقت بدون هیچ تناقضی نشان داده اید که طبیعت یک رئیس و سرپرست و خدا دارد. این واقعیت که ماده، ماده را جذب می کند را برای یک ثانیه تغییر بدهید، آنوقت می بینید که خدا ظاهر می شود.

ادامه دارد.



بی خدایی
آزادی از دین
و سعادت انسان
اعظم کم گویان